



## جایگاه آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

سید مرتضی هزاوه‌ای

عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان

### چکیده مقاله

آزادی به عنوان یک نیاز انسانی همیشه از جدی‌ترین مباحث در حوزه توسعه سیاسی مطرح بوده است. از سوی دیگر انقلاب اسلامی ایران آزادی را به عنوان یک آرمان بزرگ ملی و اسلامی برای ملت ایران نوید داد و امام خمینی (س) پرچمدار حرکت توین استقلال خواهی و استبداد ستیزی مردم ایران همواره بر ضرورت تحقق آن در عرصه‌های مختلف تأکید داشت. از آنجا که راه، منش و بینش امام خمینی روشنگر راه و مسیر سیاسی، اجتماعی ایران اسلامی است کنکاش در زمینه نظریات معظم له در خصوص آزادی بویژه برای نسل جدید که توفیق درک آن فقید سعید را در زمان حیات مبارکش نداشته است یک ضرورت تلقی می‌شود از سوی دیگر طرح مباحث چون جامعه مدنی، آزادی، عدالت اجتماعی و... بدلیل جاذبه‌های فراوان، همیشه با انبوهی از نظریه پردازانها و تئوریهای مختلف در جامعه بدون آنکه نقادی و روشنگری لازم در مورد آنها صورت گیرد، مطرح می‌شوند. از این رو لازم است بازگشتی به دیدگاههای امام خمینی به عنوان یک فقیه اسلام‌شناس و رهبر و نظریه پرداز حکومت دینی و بنیانگذار نظام اسلامی در ایران صورت گیرد این بازگشت در محورهای سه گانه، تعریف آزادی، حدود و مرزهای آزادی و ایجاد آن انجام پذیرفته است.

امام خمینی آزادی را یک نعمت الهی و نیاز فطری بشری دانسته و آن را محدود به حدود شرع و عقل و منافع و مصالح ملی می‌داند و بر توسعه آزادی‌های مشروع و مصرح در قانون اساسی و شرع مظهر تأکید دارند. در این مقاله بدون دخل و تصرف در بیانات امام خمینی (س) مباحث فوق تنظیم و در اختیار خوانندگان قرار گرفته است.

آزادی به عنوان یک نیاز اساسی و فطری در زندگی فردی و اجتماعی انسان همیشه در کانون توجه انسانشناسان، جامعه‌شناسان و نظریه‌پردازان علوم سیاسی، حقوق و سایر علوم اجتماعی و انسانی بوده و در این زمینه بحث‌های فراوانی نیز صورت گرفته که قسمت اعظمی از تفکرات سیاسی و اجتماعی مدون در حوزه اندیشه سیاسی امروز و دیروز را به خود اختصاص داده است.

مباحثی همچون تعریف، ضرورت، محدوده، آثار و نتایج آزادی و مسائلی از این دست از دیرباز مطرح گشته و صاحب‌نظران محقق و پژوهشگران در این زمینه چه از دیدگاه مکتبی و غیرمکتبی، الهی و بشری در غرب و شرق عالم و حتی در حوزه اسلامی شیعی بدان پرداخته‌اند.

صرف‌نظر از مباحث تئوریک و تاریخی در این زمینه، نیک می‌دانیم که یکی از شعارها و آرمانهای محوری و اصولی انقلاب اسلامی آزادی بوده است و از نخستین روزهای شکل‌گیری نهضت اسلامی و مبارزات ملت مسلمان ایران علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی به اشکال مختلف از سوی رهبر فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و همه انقلابیون مطرح گشت و امروز نیز مورد توجه مسؤولان و خاصه رهبر معظم انقلاب و رئیس‌جمهور محبوب و اقشار مختلف جامعه و به ویژه جوانان کشورمان قرار دارد در سالهای اخیر به دنبال طرح گسترده‌تر مباحث مربوط به توسعه سیاسی از جمله جامعه مدنی، مشارکت مردمی، دموکراسی و مردسالاری و شاخصهای آن و... بحث آزادی با توجه و حساسیت بیشتری در محافل سیاسی - اجتماعی و از سوی گروهها و تشکل‌های سیاسی و دانشگاهیان و حوزویان مورد بررسی، مذاقه و کنکاش علمی قرار گرفته است. نگارنده در این مقاله کوتاه درصدد طرح مباحث و بررسی‌های انجام گرفته در این موضوع و تجزیه و تحلیل آنها و اظهار نظر پیرامون درستی یا نادرستی این نظرات نیست بلکه تلاش دارد تا به عنوان یک گام کوچک در راستای طرح اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و انتقال آن به نسل نو، نظرات آن رجل سیاسی قرن و میدان‌دار عرصه اندیشه سیاسی اسلام در عصر حاضر را در زمینه آزادی مورد بازبینی قرار داده و در اختیار علاقمندان و دنبال‌کنندگان این مباحث قرار گیرد تا راه و نظر امام خمینی (ره) در مسأله آزادی به صورت شفاف و به دور از

هیجانهای طبیعی و غیر طبیعی دانسته شود. امام خمینی (ره) به عنوان پرچم‌دار، سلسه‌جنبان و رهبر بزرگترین حرکت سیاسی اجتماعی دینی در عصر حاضر که به پیروزی نظم اجتماعی بر پایه دین و احکام نورانی اسلام منجر شد دارای اندیشه‌ای بس ژرف و تأمل‌برانگیز و برخاسته از درک عمیق و متعالی ایشان از مبانی نظری و عملی اسلام است که همه آنها را نیز در درون حیات مبارزاتی و حکومت خویش در رأس نظام سیاسی انقلابی در ایران به محک تجربه درآورد، از سوی دیگر آشنایی با اندیشه‌های تابناک این بزرگمرد و میدان‌دار عرصه‌های مختلف علوم اسلامی می‌تواند موجب جلوگیری از انحراف در مبانی نظری جمهوری اسلامی به عنوان بزرگترین یادگار آن حضرت شود و راه را برای استمرار اندیشه‌های آن یگانه دوران در گذر زمان‌ها و مکانها هموار نماید و همچنین موجبات وحدت و وفاق اجتماعی را در عین تنوع و تکثر دیدگاهها و سلاقی در میان پیروان ایشان تضمین نماید. امید است دلسوزان انقلاب، کشور و نسل نو که از معاصرت با امام محروم مانده است و از چشمه‌سار حکمت و زلال اندیشه سیاسی آن سیاستمدار دست از دنیا شسته بهره‌ور نشده است با مطالعه این سطور و گوشه‌ای از اندیشه‌های آن عزیز سفرکرده در ارتباط با آزادی - این جدی‌ترین مبحث موجود در حوزه توسعه سیاسی - راه آینده خود را در زمینه نهادینه کردن آزادی، استقلال و نظم اجتماعی بر پایه این بر همان مبانی اندیشمند ترسیم و طی نمایند. در این نوشتار سعی شده است تا بدون اظهار نظرهای شخصی حتی المقدور صرفاً به بیان نظرات و دیدگاههای امام خمینی در زمینه آزادی پرداخته شود و در مواردی که توضیحاتی آمده است در جهت شفاف‌سازی و تبیین و بهره‌گیری بیشتر و تنظیم مطالب بوده است. مباحث این مقاله در سه بخش آمده است که عبارتند از:

۱- مفهوم و اهمیت آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

۲- ابعاد آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

۳- حدود و مرزهای آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

اعتراف دارم که هریک از این مقولات سه گانه خود می‌تواند موضوع تحقیق و بررسی مفصل و مستقلی باشد اما از آنجا که بحث جامع مختصری را دنبال می‌کرده‌ام به هر سه مبحث اشاره شده است. در پایان این مقدمه از همه اساتید، بزرگان و خوانندگان گرامی استدعا دارد نویسنده را در زمینه رفع نواقص و اشکالات این اثر ناچیز یاری فرمایند.

## ۱- مفهوم و اهمیت آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

با دقت در اندیشه‌های امام خمینی (ره) که در کلام، نوشته‌ها و نهایتاً وصیت‌نامه سیاسی الهی آن حضرت متجلی است معلوم می‌شود که امام خمینی (ره) در یک نگاه عمیق و برخاسته از درک مبانی اسلام به عنوان دین پاسخگو به همه نیازهای بشری در همه زمانها و مکانها و با انسانشناسی خاص برگرفته از جهان‌بینی ناب توحیدی به مسأله آزادی پرداخته و آن را در ردیف نعمت‌های خداوند می‌دانند که به انسان عطا شده است و می‌فرمایند: «آزادی یک نعمت بزرگ الهی است»<sup>(۱)</sup> بر این اساس آزادی فراتر از یک حق طبیعی و انسانی بلکه یک موهبت و نعمت خدادادی است و امری است که حضرت حق جل و علا آن را با خیرمایه او در خلقت عجبین فرموده است همچنانکه حضرت امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «لا تکن عبد غیرک فقد جعلک الله (خلقک الله) حراً»<sup>(۲)</sup> ای انسان خود را در بند و اسارت غیر خود قرار مده چه آنکه خداوند تو را آزاد آفریده است. جالب است بدانیم اگر آزادی یک نعمت الهی است در نگرش قرآنی انسان در مقابل نعمت‌های الهی مسؤول و مورد مؤاخذه است که چگونه از آن استفاده کرده است و در چه راهی آن را به کار بسته است در راه سعادت و یا شقاوت؟ «و لتستلن یومئذ عن النعم»<sup>(۳)</sup> شما در قیامت از نعمت‌ها سؤال خواهید شد بر اساس چنین نگاهی به آزادی، اگر آزادی وسیله رشد و تعالی و تقرب انسان به کمال مطلق و ذات حق تعالی شود از این نعمت الهی درست و بهینه استفاده شده است و اگر در مسیری قرار گیرد که به انحطاط و فساد و تباهی انسان و دوری او از مکارم اخلاقی و صفات ارزشمند خدایی منجر شود، مورد استفاده قرار گرفته است. امام خمینی (ره) در بیان دیگری از آزادی به عنوان یکی از حقوق اولیه بشری یاد می‌کنند و می‌فرمایند: «اینها (ملت ایران) دارند حقوق اولیه بشر را مطالبه می‌کنند»<sup>(۴)</sup> از این کلام نورانی استفاده می‌شود که آزادی از حقوق اولیه همه انسانهاست با این توضیح که با توجه به جمله اول امام خمینی (ره) در توصیف آزادی این حق خدادادی و فطری است که نه از حقوق موضوعه‌ای که برای انسان به واسطه قرارداد یا اعلامیه‌ای همانند اعلامیه حقوق بشر و... در نظر گرفته شود. امام خمینی (ره) با نگاهی عمیق به مبانی اسلام در باب آزادی می‌فرمایند «در اسلام اختناق نیست، در اسلام آزادی هست برای همه طبقات، برای زن و مرد، برای سفید و سیاه، برای همه»<sup>(۵)</sup> و سیاست اصولی و خدشه‌ناپذیر نظام

اسلامی را حفظ آزادی می‌دانند و تصریح می‌کنند: «سیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی... است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی‌کنیم»<sup>(۴)</sup>.

از منظر و نگاه اسلامی به مسأله آزادی، انسان اسلام موظف به پاسداری از حریم آزادی خویش است و اصولاً یکی از اهداف پیامبران و مقصودی از مقاصد ارسال رسل و انزال کتب آسمانی نیز رفع همه موانع موجود (درونی و بیرونی) بر سر راه رشد و تکامل و خداگونه‌شدن انسان است. چنانکه در کریمه مشهور می‌خوانیم «الذین یتبعون الرسول النبى الامى الذى یجدونه مکتوباً عندهم فى التوراة والانجیل یا مرهم بالمعروف و ینهیهم عن المنکر و یحلّ لهم الطّیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم و الاغلال التى كانت علیهم...»<sup>(۷)</sup>

آنان که از پیامبر خبر آورنده و درس‌ناخوانده تبعیت کنند، هم‌وکه نامش را در تورات و انجیل مکتوب می‌یابند و او آنان را به نیکی امر می‌کند و از بدی باز می‌دارد پاکیزه‌ها را بر ایشان حلال و مجاز می‌شمرد و آلودگی‌ها را تحریم می‌کند و بار سنگین زنجیرها و اسارت‌ها را که بر آنان سنگینی می‌کند (از دست و پایشان و اندیشه‌شان) برمی‌دارد. براساس این آیه قرآنی و کلام وحی پیامبر با تعلیم و تربیت و شناساندن راه درست زندگی سعادت‌مندان بشر را به جایگاه و منزلت خاص خویش برمی‌نشانند و با همه موانع، آفات و ناهمواریهای راه سعادت او مقابله می‌کند مبارزه انسان با هوای نفس و تمنیات و خواسته‌های نفسانی و جاذبه‌های مادی برخاسته از حب جاه و مقام و ثروت و... و طاغوت‌های زمان در فرهنگ اسلامی همه در راستای حفظ کرامت و آزادی حقیقی انسان مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند بنده خویش (انسان را) آزاد می‌خواهد و رها از همه قیود و وابستگی‌های پست مادی و هرآنچه پای اندیشه و رفتار آدمی را از پرواز به سوی کمال بند نماید، ضد آزادی می‌خواند و انسان هرچه بتواند از وابستگی‌های مادی خویش بکاهد آزادتر است.

غلام همت آنم که زیر چرخ کعبود ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است  
پس آزادی لازمه کمال انسانی است و حتی فراتر از دینداری به حیات انسانی معنا و مفهوم می‌بخشد و خود منهای تدین یک ارزش والا محسوب می‌شود همچنانکه در کلام نورانی امام حسین علیه السلام می‌خوانیم «ان لم یکن لکم دین فکونوا احراراً فی دنیاکم»<sup>(۸)</sup> اگر دین ندارید لااقل آزاده باشید و قطعاً مراد از این آزادی رها شدن از بند خواهشهای پست

دنیوی و نگاه کردن به حیات و زندگی از منظری انسانی و معنوی است. قطع تعلقات دنیوی اعم از مال و مقام، نفس و مشتتهیات نفسانی، نفس طاغوت‌های بیرونی و مبارزه با مستبدین و ستمکاران، طرد اخلاق رذیله... همه به رهایی انسان و آزادی حقیقی او کمک می‌کند و او را در پرواز در فضای پاک عبودیت حق یاری می‌نماید بر همین اساس است که امام خمینی (ره) به هنگام تجلیل از امیر مؤمنان علیه السلام و ستایش شخصیت متعالی آن حضرت می‌فرماید:

«ما مفتخریم که امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب این بنده رهاشده از تمام قیود مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگی است»<sup>(۶)</sup>

با عنایت به بیانات امام خمینی (ره) و توضیحاتی که از قرآن و سنت آورده شد آزادی در منطق و مفهوم اسلامی را می‌توان چنین تعریف نمود «تقلیل نقش نیازهای مادی، دنیوی و نفسانی از طریق کنترل، تعدیل و برخورد منطقی با آنها به منظور ایجاد زمینه مناسب و فرصت یافتن جهت پرداختن به نیازهای معنوی و نزدیکی انسان به خدا.

امام خمینی (ره) در مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری در حیات خویش و در شرایط حاکمیت ستمشاهی بر ایران همیشه آزادی را به عنوان یکی از آرمانها و اهداف قیام خود و خواسته مورد غفلت واقع شده و به یغما رفته ملت ایران از سوی حکومت پهلوی و حکومت‌های قبل از آن می‌دانستند و همیشه معتقد بودند که اگر حکومت‌ها شمشیر و سرنیزه را از سر مردم بردارند و آزادی در کشور باشد حکومت ستمکارانه آنان دوام نخواهد آورد و می‌فرمودند

«شماها (شاه و دربار او) می‌دانید که اگر ملت سرنوشت خود را به دست گیرد وضع شماها اینطور نیست و باید تا آخرکنار بروید اگر در روز آزادی به گویندگان و نویسندگان بدهید جرائم شما برملا خواهد شد. قدرت آزادی دادن ندارید، الخائن خائف»<sup>(۱۰)</sup>

حضرت امام خمینی (ره) با درک درست ماهیت استبدادی و دیکتاتوری نظام پهلوی با افشاگریهای به موقع نسبت به اتخاذ روش‌های عوام‌فریبانه شاه و القاء اینکه در کشور آزادی وجود دارد، به وظیفه روشنگری خود در قبال ملت و آزادی به یغما رفته ایرانیان اقدام نموده و ابراز می‌دارند:

«شاه می‌گوید من اعطای آزادی می‌خواهم بکنم یکی نیست که بگوید: تو آقا چه کاره‌ای؟ که می‌خواهی اعطای آزادی بکنی، آزادی که قانون اساسی به مردم داده است. شما می‌خواهی اعطا کنی؟... او (شاه) باید بیاید و این همه سلب آزادی که از مردم کرده است جواب دهد»<sup>(۱۱)</sup>

ایشان که حجم و ظرافت‌های توطئه امریکائیا و رژیم دست‌نشانده پهلوی در ایران را به درستی درک می‌کردند زمانی که امریکائیا مدعی شدند شاه در ایران آزادی بیش از حد و دموکراسی فراوان داده است! و از همین رو علماء و مردم ایران به مخالفت با او برخاسته‌اند و به اصطلاح مردم ایران لیاقت آزادی را نداشته و دموکراسی در این حد برای آنان زیادی بوده است! در بیاناتی روشنگرانه در این باره فرمودند:

«... آقای کارتر در نطقشان فرموده‌اند که شاه از باب اینکه یک اجتماع مترقی می‌خواهد آنجا (ایران) را درست کند و از باب اینکه یک آزادی به مردم می‌خواهد بدهد مردم با او مخالفند! این همه مردم که مخالفند، این ملت که با این (شاه) مخالف است برای اینکه آنها می‌گویند آقا! بگذار آزادشان کنیم اینها فریادشان درآمد که ما آزادی نمی‌خواهیم... به حسب منطق آقای کارتر که استاد اعظم است! فریاد بلندگوهای شاه این است که آقا بگذارید، یک زندگی مرفه به شما بدهیم اینها (ملت و مخالفان شاه) می‌گویند ما نمی‌خواهیم... چه کسی را می‌خواهد بازی بدهد؟... همه اختلافاتی که هست در ایران برای این است که شاه می‌خواهد آزادی بدهد و مردم با او مخالفت می‌کنند؟... گاهی هم می‌گویند: اینها لایق آزادی نیستند خود شاه این را می‌گوید که مملکت ما تا باز افرادش جوری نشدند که لایق بشوند آزاد بشوند باید همه اینها چون لایق بشوند باید توی حبس باشند اینها لایق اینکه بگویند آقا حبس نباشید، لایق اینکه به آنها آزادی بدهیم نیستند... اگر مردم آزادی داشتند واقعاً دیگر چه چیز می‌خواهند؟ منطق‌ها فرق دارد. منطق شاه این است که مملکت من آزادی هست

یعنی اینکه همه آنها تحت شکنجه‌اند این منطبق است. یک کسی اسم آزادی را می‌گذارد به این چیزی که شما می‌گوئید شکنجه است»<sup>(۱۲)</sup>.

امام خمینی (ره) با این روشنگریها و شناخت صحیح سیاست‌های دشمنان آزادی و استقلال ملت ایران راه آزادی و استقلال حقیقی ملت را در التزام به احکام نورانی اسلام و حاکمیت احکام شریعت می‌دانستند و تا پایان مبارزات نیز در جهت کسب آزادی‌های مشروع و حقوق اولیه ملت مسلمان ایران از هیچ کوششی فروگذار نکردند.

## ۲- ابعاد آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) معمار بزرگ انقلاب اسلامی و طراح نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در بیانات و مکتوبات خویش به تبیین هندسه آزادی در حکومت دینی و ابعاد و مرزبندیهای آن پرداخته‌اند و حقیقتاً نقطه ابهامی در نگرش و بینش امام (ره) در این زمینه وجود ندارد مطالعه جوانب مختلف دیدگاه امام (ره) در زمینه شاخص‌های آزادی خود موضوع بحث گسترده‌ای است که در این مقاله مختصر قادر به پرداختن به آن نیستیم و به صورت اجمال دیدگاه آن بزرگوار و عزیز سفرکرده را در زمینه ابعاد آزادی مرور می‌کنیم.

### الف - آزادی اندیشه و بیان

اظهار نظر و ابراز اندیشه به منظور رشد و شکوفائی استعدادها و بروز و ظهور علم و حقیقت و گسترش آگاهی انسانها در یک جامعه مدنی و رو به جلو، بالنده و پویا تنها در فضای گفتمان آزاد و تضارب افکار و عقاید مقدور است و این امر از بدیهیات و مورد پذیرش عقل و شرع است زیرا تنها در چنین صورتی است که راه بر انتخاب بهترین‌ها در حوزه افکار و اندیشه و راه‌حل‌ها هموار می‌گردد و لذا قرآن کریم بر ضرورت استماع اقوال مختلف و انتخاب بهترین‌ها از میان آنها تأکید دارد و می‌فرماید «فبشر عباد الذین يستمعون القول فيتبعون احسنه...»<sup>(۱۳)</sup> «ای پیامبر) آن دسته از بندگان مرا که سخن را می‌شنوند و از آن میان از بهترین سخن پیروی می‌کنند از این آیه شریفه دو نکته استفاده می‌شود اول آنکه: راه اتباع از احسن اقوال و اندیشه‌ها، گوش کردن به نظرات دیگران و فراهم آوردن امکان طرح آن نظرات در یک فضای باز و آزاد است و نکته دوم آنکه: آزادی در قلمرو اندیشه پذیرفتنی است نه در حوزه عمل. فضا باید برای طرح و ابراز



اندیشه‌های مختلف باز باشد اما بندگان خوب خدا کسانی هستند که در قلمرو عمل آزاد نیستند و شایسته‌ترین رفتار را که برخاسته از آن گفتمان آزاد اندیشه‌هاست در عمل معیار خود می‌دانند و اگر بگوئیم که انسان هر چه آزادتر می‌اندیشد محدودتر عمل می‌کند، سخن گزافی نگفته‌ایم زیرا عمل به صواب نزدیکتر محتاج رعایت بسیاری از جوانب است که صد البته از آزاداندیشی به دست می‌آید. محدودیت در عمل نشانه رشد و آزادی اندیشه است و ولنگاری و بی‌قاعدگی در عمل نشان عقل و اندیشه بسته و رشدنا یافته است. بررسی رفتار کودکان در دوران کودکی مؤید این معناست که چون کودکان از رشد اندیشه برخوردار نیستند هر عملی را ممکن است حتی به زیان خود مرتکب شوند اما به موازات رشد اندیشه در کودکان ما شاهد محدودیت رفتار آنان هستیم! به سخن خویش بازگردیم. پیامبر گرامی اسلام ﷺ در سال پنجم بعثت آن زمان که مسلمانان به جان آمده از آزار مشرکان به شکایت نزد ایشان آمدند به آنان پیشنهاد فرمود که «لو خرجتم الی ارض الحبشة فان بها ملکاً لا یظلم عنده احدٌ و هی ارض صدق حتی یجعل الله لکم خراجاً مما اُتم فیه»<sup>(۱۴)</sup> اگر به سوی سرزمین حبشه روان شوید در آنجا پادشاهی است که نزد او به کسی ستم نمی‌شود و آنها سرزمین درستی و راستی است تا اینکه خداوند برای شما راه خروجی از وضعیتی که در آن به سر می‌برید قرار دهد. همچنانکه مشاهده می‌شود یکی از دلایل انتخاب حبشه از سوی پیامبر که بدان تصریح فرموده‌اند آنست که آنجا سرزمین راستی و درستی است به نظر می‌رسد اگر این عبارت را معادل فضای باز سیاسی ترجمه نماییم به خطا نرفته باشیم مؤید این نظر واقعیت تاریخی است. به گواهی تاریخ، نجاشی پادشاه وقت حبشه در جلسه‌ای که مهاجران مسلمان در آن حضور یافتند پس از شنیدن نظرات هیأت اعزامی از قریش (که به قصد استرداد مسلمانان نزد نجاشی آمده بودند) به سخنان مسلمانان<sup>(۱۵)</sup> نیز گوش کرد و درحقیقت در یک مناظره آزاد اقوال و سخنان هر دو دسته را شنید آنگاه انتخاب درستی کرد و موضع روشنی را اتخاذ نمود و به مسلمانان اجازه داد تا با آزادی کامل به شرط عدم اخلال در امنیت حبشه و به اصطلاح امروز بدون آنکه قصد براندازی داشته باشند در حبشه بمانند و آزادانه به عقاید و عبادات خویش ملتزم بمانند.

باری، امام خمینی(ره) از ابتدای نهضت اسلامی و به ویژه پس از شکل‌گیری نظام اسلامی بارها بر ضرورت وجود آزادی بیان و عقیده (اندیشه) در نظام اسلامی تأکید داشتند

و چنین فرموده‌اند: «... مردم عقیده‌شان آزاد است کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید، کسی به شما الزام نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی به شما الزام نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی»<sup>(۱۶)</sup>.

ایشان حتی در باب فعالیت گروه‌های مارکسیستی در جمهوری اسلامی در پاسخ خبرنگاری چنین فرموده‌اند

«... اگر فعالیت آنها مضر به حال ملت باشد جلوگیری می‌شود و اگر نباشد و فقط اظهار عقیده باشد مانعی ندارد»<sup>(۱۷)</sup>.

همچنانکه گفته شد اظهار نظر و عقیده از نظر امام خمینی (ره) مشروط به آنکه صاحبان آن به اقدامات خلاف مصالح و منافع ملی اقدام ننمایند آزاد است و نظام اسلامی حتی عقاید مخالف با خویش را لزوماً تحمل می‌نماید. در فرازی دیگر از سخنان امام خمینی (ره) در این زمینه می‌خوانیم

«در مملکت ما آزادی اندیشه هست، آزادی قلم هست، آزادی بیان هست ولی آزادی توطئه و آزادی فسادکاری نیست شما اگر توقع دارید که ما بگذاریم بر ما توطئه کنند و مملکت ما را به هرج و مرج بکشند و مقصودشان از آزادی این است، در هیچ جای دنیا همچو آزادی نیست، همین کمونیست‌ها و همان اشخاصی که غیر ما فکر می‌کردند... به طور مطلق به این‌ها آزادی دادیم یعنی آزاد بودند! لکن اخیراً مطلع شدیم که با الهام از رژیم سابق و با الهام از اجانب و کسانی که می‌خواهند (کشور را) به تباهی بکشند، توطئه کردند، خرابکاری کردند، خرمن‌ها را آتش زدند، صندوق‌های آراء را آتش زدند و با تفنگ و اسلحه، آن رفتار را کردند، قضایای کردستان را همانها پیش آوردند... اگر آزادی، آزادی بیان، عقیده و اندیشه است، آزادی هست و بوده است»<sup>(۱۸)</sup>.

این سخنان روشنگرانه در عین سادگی حاوی نکات مهمی در زمینه آزادی بیان و اندیشه و حاکی از درک عمیق امام خمینی (ره) نسبت به مبانی، اصول و مرزبندی‌های آزادی افراد و گروه‌ها در نظام اسلامی است که در بخش سوم مقاله بدان خواهیم پرداخت. امام راحل (ره)

در بیانات دیگر خود بر ضرورت آزادی بیان و نظرات مخالف حتی در زمینه‌های اجتهادی و فقهی تأکید نموده‌اند و آن را لازمه انقلاب و نظام اسلامی ذکر می‌نمایند...

«طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضاء می‌کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد...»<sup>(۲۹)</sup>

در باب نشر و گسترش معارف و آموزه‌های دینی، امام خمینی (ره) فضای آزاد کشور را امیدبخش می‌دانستند و به علما در این باب تذکر داده‌اند که مؤولیت خویش را رعایت و عمل نمایند...

«علماء و روحانیون انشاءالله به همه ابعاد و جوانب مسؤولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌نمایم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامیمان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرف‌های آنان را بشنوند و اگر بیراهه می‌روند با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان دهید و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ التقاط و انحراف بر نوشته‌هاشان زد و همه را به یکباره به وادی تردید و شک انداخت»<sup>(۲۰)</sup>

گویا این سخنان دلسوزانه و برخاسته از جان آگاه آن عارف دلسوخته و سیاستمدار دست از دنیا شسته و بحق پیوسته در فضای کنونی کشور ما ایراد شده است و حقیقتاً فصل الخطابی است بر همه دیدگاههایی که به هدایت، جذب و ارشاد جوانان به سمت اهداف والای اسلامی نظر دارند و راه را بر هرگونه سوءاستفاده، زیاده‌خواهی و روش‌های تنش‌زا و مخالف احساسات و عواطف جوانان عزیزی می‌بندند و امید است همه دلسوزان و متولیان مسائل فرهنگی و دست‌اندرکاران امور جوانان با عنایت به این رهنمود و تبدیل آن به یک فرهنگ در عرصه برخورد با اندیشه‌ها و اظهار نظرات، راه جذب هرچه بیشتر انسانها و به ویژه جوانان عزیز را به فرهنگ و معارف غنی اسلام هموارتر سازند و با آگاهی بیش از پیش

جوانان به مبانی دینی و هویت خویش از آسیب‌پذیری آنان در دام توطئه‌های مختلف و از جمله تهاجم بی‌امان فرهنگی دشمنان جلوگیری به عمل آید.

ب. آزادی مطبوعات و رسانه‌های گروهی و ارتباط جمعی

بی‌گمان وجود مطبوعات آزاد و سالم و رسانه‌هایی که در امر اطلاع‌رسانی درست و به دور از تحریف، شایعه‌پراکنی و عوام‌فریبی و تشویش افکار عمومی تلاش صادقانه دارند لازمه توسعه سیاسی و فرهنگی در یک جامعه آزاد و آرمانی است، نقش حساس رسانه‌ها و مطبوعات در تنویر افکار عمومی و کمک به رشد فکری و فرهنگی مردم و بسته‌سازی مناسب برای انتخاب‌های درست‌تر و نهادینه‌سازی مشارکت وسیع مردم در عرضه تعیین سرنوشت همیشه مورد تأکید امام خمینی (ره) بوده است.

جانبداری شفاف و بی‌دریغ امام خمینی از آزادی مطبوعات و در عین حال تذکرات ناصحانه ایشان به وسائل ارتباط جمعی کلمات و نامه‌ها و سخنان معظم‌له به وفور یافت می‌شود که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود

«به‌طورکلی در هر کشوری مطبوعات آن کشور، تلویزیون و رادیوی آن کشور باید در مسیر آن ملت و در خدمت ملت باشد، مطبوعات باید ببینند که ملت چه می‌خواهد؟ مسیر ملت چیست؟ روشنگری از این طریق داشته باشد و مردم را هدایت کند. اگر مطبوعات پیدا شود (که) مسیر آنها برخلاف مسیر ملت است راهی که آنها می‌روند غیر از راهی است که ملت می‌رود و... اگر خدای نخواست در نوشتن یا ننوشتن، نوشتن مقالات انحرافی و ننوشتن مقالاتی که در مسیر ملت است، این نحو عمل کنند این به نظر می‌آید که توطئه در کار باشد. این غیر از آزادی مطبوعات است»<sup>(۲۱)</sup>.

بنابر آنچه گفته آمد مطبوعات از منظر امام مدام که در مسیر ملت و در جهت هدایت و روشنگری حرکت داشته باشند آزادند و در غیر این‌صورت آزادی آنها محدود می‌شود. ایشان در فراز دیگری می‌فرمایند:

«...نقش نشریات در هر کشوری از همه چیزها بالاتر است، روزنامه‌ها و مجلات می‌توانند که یک کشوری را رشد بدهند و هدایت کنند به راهی



که صلاح کشور است و می‌توانند که بر عکس عمل بکنند» (۲۲)

امام خمینی در این جمله برای مطبوعات دو کارکرد مثبت و منفی قائلند که قطعاً آزادی آنها را در صورتی تأیید می‌نماید که در مسیر مثبت یعنی رشد و هدایت و صلاح کشور عمل نمایند.

در باب اهمیت رادیو و تلویزیون و مطبوعات و پرداختن آنها به خیر و صلاح عمومی و رشد و تعالی کشور و عدم پرداختن آنها به بزرگنمائی مسؤولان و امور مربوط به شخصیت‌های نظام سخنان بسیار مهمی دارند که با توجه به اهمیت آن عیناً آورده می‌شود «...رادیو و تلویزیون و مطبوعات مال عموم است عموم بر آنها حق دارند از این جهت من به سهم خودم خیال دارم راجع به من کم باشد، مگر در مواقع حساس که آن هم باید از ما سؤال شود که آیا مطلبی را باید نقل بکنند یا خیر؟ و الا آنچه خوب است در رادیو و تلویزیون و مطبوعات باشد آن است که برای کشور اثری داشته باشد، مثلاً اگر زارعی خوب زراعت کرد و زراعتش خوب بود شما این شخص را به جای مقامات کشور در صفحه اول بگذارید و زیرش بنویسید این زارع چگونه بوده است و یا... کارمندی خوب کار کرد و یا اگر طبیبی عمل خوبی انجام داد عکس او را در صفحه اول چاپ کنید و بنویسید که این عملش چطور بوده است... یا مثلاً اگر کسی کشفی کرد باید مفصل با عکس و مطلب باشد... که متأسفانه نه اسمشان است و نه عکسشان، در حالی که اینها لایق‌اند تا در روزنامه‌ها مطرح شود اینها به این کشور حق دارند به این روزنامه‌ها حق دارند به رادیو و تلویزیون حق دارند ولی ماها نسبت به آنها حقمان کم است... من میل ندارم هر وقت رادیو باز می‌شود اسم من باشد مدتهاست که از این جهت متنفرم این کار غلطی است، به اندازه متعارف نسبت به همه خوب است زیادی اش مضر است. ایسن ضرر به مطبوعات است و مطبوعات را سبک می‌کند» (۲۳)

این سخنان حکیمانه، متواضعانه و برخاسته از اوج حرمت‌گذاری امام خمینی (ره) نسبت به

مردم، مظهر و نماد کامل از یک رهبری مردمی و اسلامی در حکومت دینی است که از یک سو به حقوق همه شهروندان و مردم می‌اندیشد و از سوی دیگر به رشد فکری - اخلاقی و اقتصادی و سیاسی جامعه اهمیت می‌دهد و خواهان تقدم مردم و حقوق آنان در بیان و قلم گویندگان و نویسندگان نسبت به رهبران و مسؤولان جامعه است. عبارت حکومت حکمت شاید زیباترین عبارتی باشد که در سایه رهبری و حاکمیت امام خمینی (ره) بر انقلاب و نظام اسلامی منطبق است و امروز همیشه بشریت و نظام اسلامی ما باید چنین الگوی والای حکومتی را در محل مقتدای خویش نماید. امام خمینی (ره) حکومت را صاحب حق می‌داند که مجاز است از مطبوعات و رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی و تنویر افکار مردم استفاده نماید اما در عین حال تأکید می‌نماید که «این نیست که روزنامه‌ها همه‌اش مال حکومت باشد»<sup>(۲۴)</sup>.

ایشان در قسمت دیگری از بیاناتشان در زمینه استقلال و آزادی مطبوعات می‌فرمایند «من بارها گفته‌ام که مطبوعات باید مستقل و آزاد باشند... مطبوعات در هر کشوری نقش اساسی را در ایجاد جوی سالم و یاناسالم دارند همچنین رادیو و تلویزیون باید آزاد و مستقل باشد و همه‌گونه انتقاد را با کمال بی‌طرفی منتشر سازند تا بار دیگر شاهد رادیو و تلویزیون زمان شاه مخلوع نگردیم»<sup>(۲۵)</sup>.

امام خمینی (ره) هدف مطبوعات را خدمت به اسلام، مردم و مصالح کشور می‌داند و می‌فرماید:

«مطبوعات باید همیشه در خدمت اسلام عزیز، مردم و کشور باشند و آزادی‌ها باید در حدود قوانین مقدس اسلام و قانون اساسی به بهترین وجه تأمین شود»<sup>(۲۶)</sup>

در این کلام نورانی تأمین آزادیهای مشروع و قانونی مطبوعات را وظیفه حکومت دانسته‌اند.

### ج - آزادی احزاب و جناحهای سیاسی

صرفنظر از تفاوت‌های تئوریک و ساختاری در مفهوم حزب و فعالیت حزبی در نظام حکومت دینی با آنچه در نظامهای دموکراتیک و یا حتی لائیک در غرب وجود دارد

به طور کلی می توان گفت وجود احزاب و به رسمیت شناختن گروههای سیاسی قانونمند و ضابطه پذیر در هر نظام حکومتی نشان ثبات سیاسی و استحکام پایه های نظام و نماد تنوع و تکثر و بازتابنده دیدگاههای مردمی حکومت و حرمتی است که دولت و حاکمان برای عقاید، نظرات و سلیق مختلف سیاسی - اجتماعی قائلند. از سوی دیگر احزاب و ساختار حزب در یک نظام مبتنی بر رأی مردم مکانیزم مناسبی برای توسعه مشارکت های مردمی در امور سیاسی و اجتماعی و نهادینه کردن آزادی ها و برخوردهای سیاسی و راه مطمئنی برای استفاده دولت ها از راه حل های مختلف جهت حل مشکلات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی مردم و رشد و توسعه کشور قلمداد می شود. بنابراین احزاب با سه کارکرد متفاوت و مؤثر در شکل گیری یک جامعه مدنی مؤثرند که عبارتست از

الف - تسهیل مشارکت سیاسی مردم و اقشار مختلف

ب - نهادینه سازی برخورداری سیاسی و جلوگیری از تنش ها در مناسبات سیاسی از

طریق حرکت قانونمند و مؤولانه احزاب

ج - انتقال خواست ها، نیازها و مشکلات مردم از طریق برنامه ها به نظام حکومتی و دولت.

امام خمینی (ره) با پذیرش مفهوم جمهوری در نظام حکومت دینی و درک عمیق نسبت به لوازم چنین حکومتی، آزادی احزاب و گروهها را تأیید و بر وجود آنها تصریح دارند و ضمن تذکر نکاتی که باید از سوی آنها مورد توجه قرار گیرد همیشه بر آزادی احزاب تأیید داشته اند ایشان در اظهاراتی می فرمایند:

«... هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر نیاندازد آزادند و اسلام در تمامی این شئون حد و مرز آن را مشخص کرده است»<sup>(۲۷)</sup>

حضرت امام (ره) طراح و معمار بزرگ نظام اسلامی با شناخت درست از تاریخ و عملکرد احزاب سیاسی در ایران به ضرورت «ملت ساخته بودن» احزاب و درونزا بودن آنان تأکید دارند بدین مفهوم که احزاب باید از متن ملت شکل گرفته باشند و درصدد خدمت به منافع و مصالح ملی باشند

«... اصل این احزابی که در ایران از صدر مشروطیت پیدا شده است،

آن که انسان می‌فهمد این است که این احزاب ندانسته به دست دیگران پیدا شده است و خدمت به دیگران بعضی از آنها کرده‌اند. (۲۸)

جناح‌های سیاسی کشور، گرچه به صورت احزاب شناسنامه‌دار نیز در نیامده باشند تا آنجا که در راستای مصالح ملت و کشور و انقلاب حرکت نمایند مورد تأیید امام خمینی (ره) می‌باشند ایشان در این باره می‌فرمایند:

«... اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای ناکرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را به مصلحت انقلاب مقدم بدارد حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب ضربه وارد کرده است» (۲۹).

وجود اختلاف نظر و برداشت‌های علمای دینی و فقهی از منظر امام خمینی امری طبیعی می‌دانند و حتی از کشیده شدن این مباحث به روزنامه‌ها و رسانه‌ها نیز استقبال می‌کردند. (۳۰)

د - آزادی نقد و انتقاد

نقش انتقاد سازنده در همه عرصه‌های اجتماعی و... بسیار اساسی است و از لوازم حرکت یک جامعه رو به جلو و پیشرو است، انتقاد سازنده ضمن اصلاح روند امور و ساختارها و به جریان انداختن کارها در مسیر اصلی و بهتر، نماد و سمبل آزادی بیان و از سوی دیگر مردمی بودن نظام سیاسی و حاکمیت است در پرتو نقد و انتقاد سازنده، ایهامات، نقاط ضعف و معایب یک امر برطرف می‌شود و امکان استفاده از نظرات و دیدگاههای مختلف را برای حاکمیت ایجاد می‌کند و در حقیقت نوعی مشاوره را محقق می‌سازد. امام خمینی به عنوان اندیشمندی آینده‌نگر و ژرف‌بین همیشه به وجود انتقاد و حق اشکال کردن از سوی دیگران نسبت به تصمیم‌ها و روش‌های اجرایی تأکید داشتند و آن را همانند اصل آزادی نعمت الهی و لازمه رشد انسانها می‌دانند و می‌فرمایند:

«نباید ماها گمان کنیم که هرچه می‌گوئیم و می‌کنیم کسی را حق اشکال نیست، اشکال بلکه تخطئه (زیر سؤال بردن و اعتراض نمودن) یک هدیه‌ای است برای رشد انسانها» (۳۱).

ایشان با مطلق‌سازی در فکر و اندیشه و مدیریت و اجراء مخالف بودند و انتقاد را سبب رشد و هدایت جامعه ذکر کرده‌اند و خاطر نشان می‌سازند که



«...انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر بحق باشد موجب هدایت دو جریان (اشاره به دو جریان موجود در فضای سیاسی کشور داشتند) می‌شود. هیچ‌کس نباید خود را مطلق و مبرای از انتقاد ببیند»<sup>(۳۲)</sup>.

حضرت امام خمینی (ره) که هرگز با خصوصی‌سازی در پروسه تصمیم‌سازی در امور سیاست خارجی موافق نبودند ضمن حمایت از وزرای خارجه وقت، آنان را به پذیرش انتقاد نصیحت می‌فرمودند و می‌گفتند

«... شما (آقای دکتر ولایتی وزیر خارجه وقت) و دوستانتان در وزارت امور خارجه باید تحمل انتقاد را چه حق و چه ناحق داشته باشید»<sup>(۳۳)</sup>.

معظم‌له اشکال و انتقاد را برای سعادت جامعه لازم و ضروری دانسته می‌فرمودند «در جمهوری اسلامی همه باید با انتقادهای و طرح اشکالها راه را برای سعادت جامعه بازکنند»<sup>(۳۴)</sup>.

## ۲- حدود و مرزهای آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)

وقتی سخن از آزادی به میان می‌آید یکی از مباحث جدی در این زمینه مقوله حدود و مرزهایی است که آزادی را تهدید می‌کند در هیچ جای جهان و در هیچ برهه‌ای از زمانها و در هیچ نظام حکومتی اعم از سلطنتی، جمهوری، دینی، سکولار و یا لائیک، آزادی به معنای مطلق نه تعریف شده است و نه عملاً و عقلاً می‌تواند وجود داشته باشد. پذیرش وجود آزادی مطلق خاصه در قلمرو عمل فرد یا گروههای اجتماعی پذیرش نوعی هرج و مرج و آنارشیزم است و تداوم نظم اجتماعی را مختل می‌سازد به عبارت دیگر آزادی در صورتی که مراد از آن آزادی مطلق و بدون حد و مرز باشد فاشیزم به آنارشیزم شباهت خواهد یافت و یا عین آن خواهد بود. طبیعی است در همه جای دنیا و در همه مرامها و نظامهای سیاسی - اجتماعی به منظور استقرار نظم در جامعه و حفظ پاسداری از حقوق همه انسانها و شهروندان و برقراری یک زندگی مسالمت‌آمیز، ضوابط و محدودیت‌هایی بر سر راه رفتار آزاد انسانها و گروههای اجتماعی و حتی دولت محدودیت اعمال و ایجاد شود. امروزه این محدودیت عمدتاً وضع می‌شوند و در پاره‌ای موارد از عرف اخلاق و آداب و

رسوم اجتماعی و فرهنگ ملی تبعیت می‌کنند و استخراج می‌شوند طبعاً محدودیت‌های آزادی در یک حکومت دینی علاوه بر الزامات قانونی، عرفی، اخلاقی و فرهنگ اجتماعی، مبتنی بر الزاماتی شرعی و دینی نیز می‌باشد و همه شهروندان ملزم به رعایت آنها هستند گفتنی است همچنانکه مذکور آمد این حد و مرزها بر سر راه آزادی عمل انسانهاست و مقوله آزادی اندیشه از این محدودیت‌ها مستثنی است. اندیشه در قلمرو خود آزاد و بی‌مرز است و هیچ‌کس و مقامی نه حق دارد و نه می‌تواند بر سر راه اندیشه انسانها محدودیت ایجاد کند، آزادی اندیشه از آنجا که در قلمرو مغز و ذهن انسانها تأثیر دارد و به عینیت اجتماعی در رفتارها کشیده نمی‌شود حد و مرز نمی‌شناسد، سخن بر سر رفتارهاست، گرچه رفتارها از اندیشه‌ها شکل و منشأ می‌پذیرد اما آنچه در عینیت جامعه سبب اخلال در نظام اجتماعی می‌شود عمل غیرقانونی و بی‌ضابطه انسانهاست پس این اعمال و رفتارهای انسان و گروه‌های اجتماعی است که در ابعاد مختلف باید مورد کنترل قرار گیرد و توسط حدود و مرزهایی در راستای تحقق اهداف زندگی اجتماعی هدایت شوند. بررسی انواع محدودیت‌های آزادی در کشورها و نظام‌های سیاسی مختلف جهان گرچه موضوع قابل توجه و دارای آثار و نتایج مفیدی باشد اما از حوصله این مقاله مختصر خارج است، همچنین ذکر تفاوت‌های این حدود و مرزها در جمهوری اسلامی با حکومت‌های دیگر جهان یک مطالعه تطبیقی و قابل توجه خواهد بود اما ما را از موضوع اصلی بحث که طرح اندیشه امام خمینی (ره) در این زمینه است منحرف خواهد کرد و لذا با این مقدمه کوتاه به کلام امام خمینی (ره) در زمینه حدود و مرزهای آزادی بخصوص در نظام حکومت اسلامی می‌پردازیم.

امام خمینی (ره) به عنوان یک اسلام‌شناس، فقیه، عارف، فیلسوف و انقلابی بزرگ و بالاخره یک اندیشمند سیاسی برجسته در زمان معاصر که بزرگترین انقلاب قرن را برپایه دین و با تأثیر کلام خویش به پیروزی رسانید و آن را در قالب استقرار نظم اجتماعی جدیدی برپایه اسلام نهادینه کرد و با هدایت‌ها و سرپنجهٔ تدبیر خاص خویش از طوفانهای مختلف و بحرانهای بزرگ به سلامت عبور داد و در زمان حیات خویش تمامی ارکان، نهادها و قوای لازم حکومت اسلامی را شکل بخشیده و دست تظاول قدرتهای بزرگ را از استقلال، آزادی و منابع و ذخائر ملت ایران قطع نموده بود، هرآنچه لازمه استمرار حیات

بالنده و تکاملی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی در دو قلمرو نظر و عمل بدان وابسته بود را بر کلام مبارک جاری ساخت و با موضعگیریها و اقدامات عملی نیز الگویی بی‌بدیل را در این زمینه پیادگار گذاشت که بی‌گمان عنایت و دقت و رعایت در این رهنمودها، مواضع و دیدگاهها موجبات تضمین سرفرازی، استقلال و مجد و عظمت ایران اسلامی را فراهم خواهد آورد. امام خمینی (ره) با درک مبانی اسلام ناب از طریق قرآن و عترت و اعتقاد به ضرورت حکومت دینی در عصر غیبت بر پایه اصل محوری ولایت فقیه و ایمان به جامع بودن فقه در اداره زندگی انسان از گهواره تا گور<sup>(۳۵)</sup> بر این عقیده بودند که آزادیهای مشروع و قانونی لازمه کمال جامعه اسلامی است و محدودیت‌ها و مرزهای آن را دقیقاً مشخص نموده‌اند، آنچه از بررسی سخنان، نوشته‌ها و مصاحبه‌ها، نامه‌ها و حتی احکام صادره و نهایتاً وصیت‌نامه سیاسی الهی آن حضرت استفاده می‌شود آن است که در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مرزها و محدودیت‌های آزادی در نظام اسلامی عبارتند از:

الف - اصول، مبانی، احکام، ارزشها و مقدمات اسلامی و جلوگیری از فساد و فحشاء در جامعه.

ب - قانون اساسی و سایر قوانین کشور که از سوی مراجع ذیربط به تصویب رسیده است.

ج - مصالح و منافع کشور و ملت ایران و آنچه به‌طور کلی به حفظ نظام اسلامی و خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان می‌انجامد.

از منظر امام خمینی موارد فوق باید توسط افراد، گروه‌های سیاسی، رسانه‌های ارتباط جمعی در حوزه عمل و به عنوان خطوط قرمز آزادی مورد توجه دقیق قرار گیرد تا آزادی مورد سوءاستفاده قرار نگیرد چه آنکه بزرگترین دشمن آزادی سوءاستفاده از آزادی است. یک نکته قابل توجه در بحث آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) این است که اتفاقاً یکی از تفاوت‌های محوری آزادی به مفهوم اسلامی و آنچه به عنوان آزادی در مفهوم غربی مشاهده می‌شود همین محدودیت‌ها و مرزهاست. با این توضیح که در فرهنگ غرب و نظام‌های حکومتی کشورهای غربی تنها قانون و منافع ملی کشور محدود و مرز آزادی را تعیین می‌کند اما از دیدگاه امام خمینی (ره) قانون، شرع، مصالح ملی منابع سه‌گانه ترسیم حدود و مرزهای آزادی قلمداد می‌شود. اغلب بدون آنکه به طور جداگانه به محورهای سه‌گانه فوق از دیدگاه امام خمینی (ره) پردازیم. سخنان معظم‌له را مرور می‌کنیم و تطبیق

هریک از این سخنان را با محورهای مذکور به عهده خوانندگان عزیز می‌گذاریم:

● «شما آزادید، آزادی را صرف کنید در صلاح ملت، در صلاح کشور» (۳۶)

● «حالا که آزاد شدیم خودمان را به هرج و مرج بکشیم؟ حالا که آزاد هستیم به زیردستان خود ظلم کنیم؟ حالا که آزاد هستیم برخلاف نظامات اسلامی و برخلاف نظامات ملی عمل کنیم؟ هرج و مرج بپا کنیم چون آزاد هستیم؟ تحت هیچ قاعده‌ای نباشیم؟ تحت هیچیک از قواعد اسلامی و ملی نباشیم؟ اگر اینطور شد آزادی را سلب کرده‌ایم» (۳۷)

● «ما آزادی مطلق خواهیم داد نه برای فساد، آزاد نیستیم که فساد بکنیم: هیچ انسانی آزاد نیست که کار خلاف عفت بکند، هیچ انسانی آزاد نیست که برادر خودش را اذیت بکند» (۳۸)

● «ما آزادی مطلق خواهیم داد و می‌دهیم و داده‌ایم! لکن نه برای توطئه... توطئه باید درهم شکسته شود، خرابکاران باید دفع شوند» (۳۹)

● «گفته می‌شود که مردم آزادند یعنی آزاد است که انسان بزند سر مردم را بشکند؟ آزاد است که قانون شکنی بکند؟ آزاد است که برخلاف مسیر ملت عمل بکند؟ آزاد است که توطئه بکند بر ضد ملت؟ اینها آزادی نیست، در حدود کارهای عقلانی آزاد است» (۴۰)

● «آزادی غیر از توطئه است، آزادی، آزادی بیان است. هرچه می‌خواهند بگویند. توطئه نکنند. این آدمکشها و توطئه‌گرها را دفن خواهیم کرد» (۴۱)

● «ما آزادی که اسلام در آن نباشد نمی‌خواهیم، استقلالی که اسلام در آن نباشد نمی‌خواهیم. ما اسلام می‌خواهیم آزادی که در پناه اسلام است، استقلالی که در پناه اسلام است ما می‌خواهیم. ما آزادی و استقلال بی‌اسلام به چه دردمان می‌خورد؟ وقتی اسلام نباشد، وقتی

پیغمبر اسلام ﷺ مطرح نباشد، وقتی قرآن و اسلام مطرح نباشد، هزار تا آزادی باشد! ممالک دیگر هم آزادند. ما آن را نمی‌خواهیم<sup>(۴۳)</sup>»

● «شما،<sup>(۴۴)</sup> بی‌بند و باری را آزادی می‌دانید، شما فساد اخلاق را آزادی می‌دانید. شما فحشاء را آزادی می‌دانید... البته آزادی که منتهی بشود به فساد، آزادی که منتهی بشود به تباهی ملت، به تباهی کشور، آن آزادی را ما نمی‌توانیم بدهیم!<sup>(۴۵)</sup>»

● «... ما آزادیم که هروثین بفروشیم؟ آزادیم تریاک بفروشیم؟ آزادیم قمارخانه باز کنیم؟ آزادیم شرابخانه باز کنیم؟ شرابفروشی باز کنیم؟ همچو آزادی نیست، آزادی که در اسلام است در حدود قوانین اسلام است.<sup>(۴۶)</sup>»

● «... زنان در جامعه اسلامی آزادند... از چیزی که جلوگیری می‌شود فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است.<sup>(۴۷)</sup>»

● «زن چون مرد در تمام امور آزاد است. زن هرگز با مرد فرق ندارد. آری در اسلام زن باید حجاب داشته باشد ولی لازم نیست که چادر باشد... ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زنان فقط یک شیء برای مردان و آلت هوسرانی باشند اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند<sup>(۴۸)</sup>».

● «آزادی که غرب می‌خواهد یک آزادی بی‌بند و بار است، هر که هر چه دلش بخواهد می‌کند این یک آزادی است که مخالف با اخلاق است مخالف با سنن انسانی است نه آزادی محدودی که روی قواعد و چارچوب قوانین باشد. آنها یک همچو آزادی می‌خواهند... احترام و آزادی که اسلام به زن داده است هیچ قانونی و مکتبی نداده است<sup>(۴۹)</sup>».

● «فریاد می‌زنند که اختناق است، اختناق است. آزادی نیست، چه شده است که آزادی نیست؟... (می‌گویند) این آخوندها نمی‌گذارند که این جوانهای ما آزاد باشند بروند در مشروبخانه‌ها و در قمارخانه‌ها و در فحشا فرو بروند. آزادی نیست. اینها نمی‌گذارند رادیو و تلویزیون ما

زنهای لخت را نشان بدهد... این یک آزادی وارداتی است که از غرب آمده است، آزادی استعماری است.»<sup>(۵۰)</sup>

● «اسلام است که برای ما یک آزادی، آزادی سالم، آزادی صحیح تأمین می‌کند.»<sup>(۵۱)</sup>

● «در جمهوری اسلامی هر فردی از حق آزادی عقیده و بیان برخوردار است (خواهد بود) ولیکن هیچ فرد یا گروه وابسته به قدرتهای خارجی را اجازه خیانت نمی‌دهیم»<sup>(۵۲)</sup>

● «روزنامه‌ها آزادند مطالب بنویسند، مسائل بنویسند، اما (آیا) آزاد هستند که اهانت به مقدسات بکنند؟»<sup>(۵۳)</sup>

● «روزنامه‌هایی که مضر به حال ملت نباشد و روزنامه‌هایی که گمراه‌کننده نباشد، آزادند»<sup>(۵۴)</sup>

● «من ارباب جرائد و رسانه‌ها و گویندگان را نصیحت می‌کنم که دست از (این) شایعه‌افکنی‌ها بردارند و مسائل بیهوده و مطالب دروغ را برای زیاد شدن تیراژ پخش نکنند که اگر احساس توطئه و فساد شود، ملت با آنها طور دیگری عمل می‌کنند»<sup>(۵۵)</sup>

● «آزادی توطئه نمی‌تواند باشد، اگر روزنامه‌ای بخواهد توطئه کند و راهی برود که دشمن‌های این ملت آن راه را می‌روند، ترویج بکند از کارهای دشمن‌های یک ملتی... اگر اینطور باشد، اینطور آزادی‌ها را ملت ما نمی‌تواند بپذیرند»<sup>(۵۶)</sup>

● «شما اگر چنانچه به احکام اسلام اعتقاد دارید این احکام اسلام است، (در) اسلام (خدا) انسان را آزاد خلق کرده است و انسان را مسلط بر خودش و بر مالش و بر جانش و بر نوامیسش خلق فرموده. او فرموده که انسان مسلط است، انسان آزاد است... آنچه خلاف قوانین الهیه نباشد آزاد است»<sup>(۵۷)</sup>

● «گاهی ممکن است یک انتقادی از باب اینکه با سلامت نفس نوشته نشده است، انتقاد باعث بدتر شدن وضع شده باشد. انتقادی وضع را

آرامش می دهد که از روی مصالح باشد و نویسنده توجه به این داشته باشد که مسؤولیت الهی دارد و پیش خدا مسؤول است<sup>(۵۸)</sup>.

● «آنچه از نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است به طور قاطع اگر جلوگیری نشود همه مسؤول می باشند»<sup>(۵۹)</sup>.

آنچه ذکر شد گوشه ای از نظرات امام خمینی (ره) در مورد حدود و مرزهای آزادی در یک جامعه دینی بود و قطعاً موارد فراوان دیگری را نیز می توان ذکر کرد که به دلیل رعایت اختصار از آوردن همه آنها خودداری می شود اینک پس از ذکر حدود و مرزهای آزادی از منظر امام خمینی به یک سؤال و پاسخ آن می پردازیم آن سؤال این است که حال، تشخیص اعمال و رفتارهای مخالف شرع، عقل و قانون اساسی و مقررات موضوعه کشور و یا خلاف مصالح و منافع ملی در نظام اسلامی باکیست؟ به عبارت دیگر آیا هرکس یا گروهی مجاز است که با درک خویش از اسلام، و عقل و قانون و مصالح و منافع ملی جلو آزادیهای افراد و گروههای مختلف را به بهانه این که از حدود آزادی فراتر رفته است بگیرد؟

در جواب باید مختصراً بگوئیم اصولاً فلسفه پذیرش و اعمال محدودیتها بر آزادی عمل انسانها برای جلوگیری از تجاوز به حقوق و آزادیهای دیگران و حاکمیت است به دیگر سخن استقرار نظم و تداوم آن در جامعه محدودیتهایی را بر آزادی عمل انسانها تحمیل کرده است در اینصورت طبیعی است براساس این فلسفه وجودی اگر بنا شود مرجع تشخیص اینکه چه رفتاری منطبق بر موازین مذکور است و یا نیست، خود افراد جامعه باشند این امر به منزله پذیرش تلویحی و عملی هرج و مرج و بی نظمی و عدم استقرار نظم در جامعه است، چون هرآن و در هر زمان و مکانی ممکن است افرادی توجیه یا به بهانههایی که خود فائلند سبب محرومیت از آزادی انسانها شوند بنابراین مکانیزم این انطباق نیز خود باید قاعده مند و منضبط باشد و به طور کلی حکومتها در کلان مسأله کاری جز انتظام جامعه ندارند پس این امر کاملاً برعهده حکومت است نه افراد- که از طرق گوناگون و با استفاده از اهرمها و ابزارهای مختلف محدودیتهایی نه محرومیتها- را در مورد آزادیها اولاً تبیین و ثانیاً اعمال نماید. جمهوری اسلامی ایران براساس آنچه در مبانی تئوریک آن و در قانون اساسی مشهود است خوشبختانه از این جهت کاملاً گویا، شفاف و روشن است. و ساز و کارهای

دقیق و مشخص در این باره وجود دارد. براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی مراجع و نهادهای مختلف به شکل قانونی در این مورد مسؤولیت<sup>(۶۰)</sup> دارند که عبارتند از:

۱- ولی فقیه جامع الشرایط که با توجه به مبسوط الیه بودن او و پذیرش عمومی در جایگاه نظارت عالی بر ارکان، نهادها و آحاد جامعه ارشاد دارد و عملاً قرائت و درک او از شرع، مصالح و منافع ملی و قانون اساسی ملاک و معیار مهمی در تشخیص صلاح و فساد امور حکومتی و اجتماعی است و به موقع با ارشاد، راهنمایی و حتی در مواردی با مداخله، مسیر امور را بر اساس وحدت ملی، خنثی سازی توطئه‌ها و حفظ سلامت نظام اسلامی از آفات مختلف درونی و بیرونی ترسیم و سیاست‌های کلی نظام اسلامی را که تخطی از آنها عملاً تجاوز از حدود و مرزهای آزادی است مشخص می‌نماید. و البته این یکی از کارکردهای نهاد رهبری در نظام اسلامی است.

۲- شورای نگهبان قانون اساسی که از تصویب هرگونه قانون، خط‌مشی و روش مفایر با شرع و قانون اساسی از سوی قوه مقننه جلوگیری می‌کند و تا حد زیادی بر جریان احکام دینی در قالب قوانین موضوعه نظارت می‌نماید.

۳- قوه قضائیه که با اقتدار قضایی کامل، مرجع جلوگیری از مفاسد، تباهی‌ها و ایجاد بی‌نظمی در جامعه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و جرائم است و متخلف از قانون را مجازات می‌نماید.

۴- دستگاهها و نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، نظامی و انتظامی کشور که با اقتدار و در اختیار داشتن ساز و برگ لازم در جهت شناسایی، و پیگیری تحرکات احتمالی خائنانه نسبت به تمامیت ارضی و استقلال و امنیت کشور به وظائف خاص خود مشغولند و به موقع و از راههای مختلفی جلو اختلال در نظام زندگی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی جامعه را سد می‌نمایند.

غیر از موارد چهارگانه مزبور که بر امر جلوگیری از مفاسد و تبهاریه‌ها و توطئه‌ها و امور خلاف شرع و قانون بر یک جامعه اسلامی نظارت دارند و تدابیری را می‌اندیشند و به اجرا می‌گذارند نهادهای دیگری همچون دستگاههای مختلف بازرسی و یا دفتر پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و نقش آموزشی رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، تریبونهای مختلف سیاسی و مذهبی از جمله تریبونهای نماز جمعه و... همه و همه بر کاهش بی‌نظمی و



اخلال در امور از طریق سوءاستفاده از آزادیها مستقیم و غیرمستقیم مؤثرند به علاوه بر اساس آموزه‌های دینی و احکام مسلم قرآن و حدیث، امر به معروف و نهی از منکر همچون سایر فرائض دینی بر همه مسلمانان واجب است و هرگز مسلمان نمی‌تواند و نباید در برابر خلاف قانون و شرع مطهر سکوت نماید<sup>(۶۱)</sup> و به طور مشخص هر مسلمان موظف است از تذکر، ارشاد، نصیحت خیرخواهانه و راهنمایی دست کم به صورت زبانی نسبت به دیگران کوتاهی و دریغ ننماید و حتی آنجا که فکر می‌کنند گفتن او تأثیری ندارد حداقل دستاورد امر به معروف و نهی از منکر آن است که در یک جامعه دینی معروف به منکر و منکر به معروف تبدیل نخواهد شد و نیز در اینصورت مرتکبین اعمال خلاف شرع و قانون خواهند دانست که کار آنها از سوی مردم و جامعه بدو ناپسند تلقی می‌شود و این خود دست‌آورد کمی نیست گفتنی است وظیفه آحاد مردم در همین مرحله خلاصه می‌شود و مراحل بعدی برخورد با فساد و خروج از مرزهای آزادی به عهده حکومت و دستگاههای مختلفی است که به برخی آنها قبلاً اشاره شد و مردم عادی (شهروندان) موظفند در صورت اطلاع و تشخیص فساد و یا توطئه باید از طریق آن دستگاهها وارد عمل شوند و هرگز خود به اقدامات فیزیکی و برخوردهای شخصی با متخلفین اقدام نکنند.

### خلاصه و نتیجه‌گیری:

در این مقاله مختصر سعی بر آن بود تا جایگاه آزادی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) را به بررسی مختصر بنشینیم. قطعاً در این زمینه جای کار بیشتر و وسیعتر وجود دارد آنچه به عنوان نتیجه‌گیری در پایان این نوشته باید توجه خوانندگان محترم را به آن جلب نمائیم در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱- از منظر امام خمینی (ره) آزادی نعمت الهی و از حقوق خدادادی و اولیه بشر است و براساس خلقت انسان از سوی خداوند تحلیل می‌شود. انسان در این تحلیل موظف به پاسداری از حریم آزادی خویش است. آزادی از بزرگترین آرمانهای انقلاب و نهضت اسلامی قلمداد می‌شود و هیچ کس و مقامی حق محروم کردن انسان را از آزادی خدادادی ندارد.

۲- امام خمینی به همه ابعاد آزادی عنایت داشته و وظیفه نظام اسلامی را تأمین آزادیهای

عقیده، بیان، انتقاد، اجتماعات، احزاب و مطبوعات و رسانه‌ها می‌دانند.

۳- آزادی از دیدگاه امام خمینی (ره) دارای حدود و مرزهای تعریف شده‌ای که به‌طور کلی عبارتند از: اصول، احکام، ارزشها و مقدسات اسلامی، مصالح و منافع ملی و جلوگیری از فساد، توطئه و خیانت، و نیز قوانین اساسی و موضوعه کشور که از مبنای تعریف شده تصویب و ابلاغ می‌شود.

در پایان ضمن آرزوی توفیق همه اندیشمندان متعهد، احزاب و گروههای سیاسی و ملت ساخته و مقید به آزادی و استقلال کشور، برای همه جوانان آزادیخواه کشور عزیزمان توفیق حضور آگاهانه در همه صحنه‌های کشور را خواستارم و از همه خوانندگان عزیز نیز استدعا دارم نقاط ضعف و کاستی‌های این مقاله را تذکر دهند تا در نوشته‌ها و تحقیقات بعدی مورد توجه قرار گیرد.

### فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- صحیفه نور جلد ۷ ص ۴۲
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- قرآن کریم سوره تکوین، آیه ۸
- ۴- صحیفه نور جلد ۲ ص ۱۳۰
- ۵- صحیفه نور جلد ۵ ص ۲۳۸
- ۶- صحیفه نور جلد ۳ ص ۴۹
- ۷- قرآن کریم سوره اعراف آیه ۱۵۸
- ۸- تاریخ طبری ج ۵ ص ۲۴۰، الکامل ج ۴ ص ۷۶، بحار الانوار ج ۴۵ ص ۵۱ و مقاتل الطالبین ص ۱۱۸
- ۹- مقدمه وصیت‌نامه امام خمینی (ره) نشر سازمان تبلیغات اسلامی ص ۸
- ۱۰- صحیفه نور جلد ۱ ص ۱۳۳ در نامه امام خمینی خطاب به هویدا نخست‌وزیر شاه معدوم.
- ۱۱- صحیفه نور جلد ۲ ص ۱۷۶
- ۱۲- صحیفه نور جلد ۲ ص ۱۳۶ و ۱۳۷ با اندکی تلخیص
- ۱۳- قرآن کریم سوره مبارکه زمر قسمتی از آیه‌های ۱۷ و ۱۸
- ۱۴- سیره ابن‌هشام ج ۱ ص ۳۲۱ و تاریخ طبری ج ۲ ص ۷۰
- ۱۵- جعفر بن ابیطالب برادر حضرت علی (ع) و فرمانده شهید جنگ موته که در این مهاجرت سرپرست و سخنگوی مهاجران بود
- ۱۶- صحیفه نور جلد ۹ ص ۸۸

- ۱۷- صحیفه نور جلد ۴ ص ۲۵۹
- ۱۸- صحیفه نور جلد ۹ ص ۸۶
- ۱۹- صحیفه نور جلد ۲۱ ص ۴۷
- ۲۰- صحیفه نور جلد ۲۰ ص ۲۴۲
- ۲۱- صحیفه نور جلد ۷ ص ۱۸
- ۲۲- صحیفه نور جلد ۱۴ ص ۲۴۸
- ۲۳- صحیفه نور جلد ۹ ص ۲۱۵
- ۲۴- کلمات قصار امام خمینی ص ۱۷۹
- ۲۵- صحیفه نور جلد ۱۲ ص ۲۳
- ۲۶- در حکم امام خمینی خطاب به آقای سید محمود دعایی به عنوان سرپرست روزنامه اطلاعات در تاریخ ۵۹/۲/۲۰ - صحیفه نور ج ۱۲ ص ۸۰
- ۲۷- صحیفه نور جلد ۲ ص ۲۸۰
- ۲۸- کلمات قصار امام خمینی (ره) ص ۱۲۸
- ۲۹- صحیفه نور جلد ۲۱ ص ۴۸
- ۳۰- همان، نامه امام خمینی به آقای محمد علی انصاری در زمینه جریان‌های مختلف سیاسی - عقیدتی درون نظام
- ۳۱- صحیفه نور جلد ۲۰ ص ۱۷۰
- ۳۲- صحیفه نور جلد ۲۱ ص ۴۸
- ۳۳- صحیفه نور جلد ۲۰ ص ۲۰۱
- ۳۴- صحیفه نور جلد ۲۱ ص ۷۸
- ۳۵- منشور روحانیت چاپ مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)
- ۳۶- صحیفه نور جلد ۷ ص ۴۳
- ۳۷- صحیفه نور جلد ۷ ص ۴۲۰ و ص ۴۳
- ۳۸- صحیفه نور جلد ۶ ص ۱۳۹
- ۳۹- صحیفه نور جلد ج ۶ ص ۱۳۹
- ۴۰- صحیفه نور جلد ۶ ص ۱۹۲
- ۴۱- صحیفه نور جلد ۶ ص ۸۶
- ۴۲- صحیفه نور جلد ۱۲ ص ۹۱
- ۴۳- صحیفه نور جلد ۶ ص ۲۵۸
- ۴۴- صحیفه نور جلد ۸ ص ۲۷۲ اشاره به کسانی که از دید امام (ره) از سوءاستفاده دنیال مفهوم غربی آن هستند.
- ۴۵- همان

۴۶- صحیفه نور جلد ۷ ص ۹۲ و ۹۳

۴۷- صحیفه نور جلد ۴ ص ۳۹

۴۸- صحیفه نور جلد ۴ ص ۱۰۳ و ۱۰۴

۴۹- صحیفه نور جلد ۷ ص ۸۳

۵۰- صحیفه نور جلد ۹ ص ۶۱ و ۶۲

۵۱- صحیفه نور جلد ۷ ص ۲۷

۵۲- صحیفه نور جلد ۳ ص ۱۷۸

۵۳- صحیفه نور جلد ۷ ص ۱۹

۵۴- صحیفه نور جلد ۴ ص ۲۶۰

۵۵- صحیفه نور جلد ۸ ص ۲۲۱

۵۶- صحیفه نور جلد ۷ ص ۱۹

۵۷- صحیفه نور جلد ۱ ص ۶۸

۵۸- صحیفه نور جلد ۱۴ ص ۲۲۸

۵۹- کلمات فصار ص ۸۳ چاپ مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره)

۶۰- در این زمینه مطالعه قانون اساسی جمهوری اسلامی توصیه می‌شود

برای اطلاع در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، شرایط و جوب و اهمیت آن نگاه کنید به رساله نوین

جلد چهارم نوشته عبدالکریم بی‌آزار شیرازی ص ۱۵۰ به بعد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی